



# روابط ایران و کانادا و چشم‌انداز آن

یاسر نورعلی‌وند \*

## اشاره:

به نظر می‌رسد سیاست خارجی کانادا در قبال جمهوری اسلامی ایران پس از یک دهه تنش در نتیجه سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه دولت محافظه‌کار استفن هارپر، با روی کار آمدن جاستین ترودو لیبرال تعدیل خواهد شد. ترودو در چندین نوبت، از تمایل دولت خود برای از سرگیری مجدد روابط با ایران سخن گفته است. با توجه به فضای جدید شکل گرفته ناشی از توافق جامع هسته‌ای و تغییر دولت در کانادا، این نوشتار تلاش دارد این مسائل را مورد بررسی قرار دهد؛ نخست، قطع روابط ایران و کانادا چه هزینه‌هایی برای ایران در برداشته است؟ دوم، از سرگیری روابط در فضای جدید چه منافع اقتصادی و احیاناً سیاسی برای ایران خواهد داشت؟ و سوم، چه سناریوها و احتمالاتی پیش روی برقراری مجدد روابط قرار دارد و راهبرد ایران چه باید باشد؟

## مقدمه

پیروزی در انتخابات به یک دهه قدرت محافظه‌کاران پایان داد. در جریان مبارزات و کمپین انتخاباتی، ترودو به شدت از مواضع سیاست خارجی دولت استفن هارپر و محافظه‌کاران به ویژه در مورد نزدیکی بیش از حد به رژیم صهیونیستی و سیاست‌های تقابلی جویانه با ایران انتقاد کرد و از سرگیری ارتباط با ایران را در شعارهای انتخاباتی خود مطرح نمود. گزارش حاضر ضمن بررسی آثار و پیامدهای تیرگی و قطع روابط دو کشور در دوره هارپر، به چشم‌انداز و احتمالات پیش روی این روابط در دوره جدید پس‌ابرجام و روی کار آمدن دولت جدید کانادا خواهد پرداخت. برای این منظور، در بخش‌های نخست مؤلفه‌های تأثیرگذار در سیاست خارجی کانادا و پیشینه روابط آن با ایران از نظر خواهد گذشت و سپس در بخش اصلی، پیامدهای قطع روابط و سناریوهای پیش رو، مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت.

## پیشینه روابط خارجی کانادا و ایران

به طور کلی، می‌توان سه نقطه عطف را در روابط عمدتاً تنش‌آمیز ایران و کانادا پس از انقلاب مشاهده کرد. نخستین نقطه عطف تنها یک سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به وقوع پیوست. پس از اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان انقلابی در سال ۱۳۵۸، سفارت کانادا در تهران، ۶ تن از دیپلمات‌های آمریکایی را که

روابط جمهوری اسلامی ایران و کانادا از همان روزهای آغازین انقلاب اسلامی با چالش مواجه شد و تا کنون روزها و سال‌های پرفراز و نشیبی را سپری کرده است. کشور کانادا نیز به تبعیت از غرب و با محوریت آمریکا سیاست‌های خود را بر مدار تقابل با ایران در پیش گرفت. اگرچه روابط ایران و کانادا در سال‌های گذشته عمدتاً با تنش همراه بوده است، اما در یک دهه گذشته و با روی کار آمدن دولت محافظه‌کار استفن هارپر تنش‌های فی‌مابین بیش از هر زمان دیگری به اوج خود رسید و نهایتاً وی در سال ۲۰۱۲ روابط خود را با ایران قطع کرد. هارپر با اتخاذ سیاست یکجانبه‌گرایانه و تهاجمی و نزدیکی بی‌سابقه به اسرائیل، در جریان پرونده هسته‌ای و تحریم‌های ناشی از آن، شدیدتر از آمریکا و اروپا و فراتر از تحریم‌های شورای امنیت دست به تحریم‌های یکجانبه علیه ایران و اتباع آن در کانادا زد. حزب لیبرال کانادا به رهبری جاستین ترودو با



هسته‌ای خود امتناع می‌ورزد؛  
۴. ایران با لفاظیهای نژادپرستانه کشوری  
دیگر را (اسرائیل) تهدید می‌کند؛  
۵. ایران ناقض معاهده وین ناظر بر حسن  
اجرای وظایف دیپلماتیک و همچنین  
مصونیت دیپلماتیک است.  
تنش در روابط ایران و کانادا در دوران  
نخست‌وزیری استفن هارپر به اوج خود رسید.  
هارپر در یک دهه گذشته، با فاصله گرفتن از  
اصول سنتی چندجانبه‌گرایی، عمل‌گرایی و  
بی‌طرفی، سیاست خارجی کانادا را به سمت  
یکجانبه‌گرایی و رویکردهای افراط‌گرایانه  
سوق داد. بی‌توجهی به نقش مجامع  
بین‌المللی به ویژه سازمان ملل، حمایت قاطع  
از رژیم صهیونیستی، تنش و تقابل با ایران  
و محور مقاومت، نزدیکی و ارتقاء مناسبات  
تجاری، سیاسی و امنیتی - نظامی با اعراب  
از جمله مصادیق این رویکرد در سیاست  
خارجی هارپر بود.

### تحلیل آثار و پیامدهای قطع روابط

بسیاری از تحلیل‌گران و کارشناسان معتقدند  
با وجود جایگاه مناسبی که کانادا در حوزه  
توان اقتصادی و فناوری دارد، اما از لحاظ  
سیاسی کشور تأثیرگذاری به حساب  
نمی‌آید. در نگاه نخست، شاید این دیدگاه  
درست به نظر برسد، اما با کمی تأمل  
می‌توان دریافت جایگاه سیاسی این کشور  
به موازات رشد اقتصادی و صنعتی آن رو به  
ارتقا است. کسب شش دوره متوالی عضویت  
غیر دائم شورای امنیت و تأثیرگذاری بالا  
در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد،  
عضویت این کشور در ناتو و همچنین  
همسایگی آن با ایالات متحده و روابط  
سطح بالا با کشورهای بزرگ اروپایی

هنگام اشغال سفارت آمریکا در محل سفارتخانه نبودند، پناه داد  
و محرمانه موجبات خروج آنان را از ایران فراهم آورد. این مسئله  
موجب تیرگی روابط دو کشور شد و کانادا در همان سال، سفارت  
خود در ایران را تعطیل و سفارت دانمارک را به عنوان حافظ منافع  
معرفی کرد و سفارت ایران در کانادا نیز به سطح کاردار تقلیل یافت.  
بعد از خاتمه جنگ تحمیلی و به دنبال ابراز تمایل مقامات اتاوا و  
تهران برای توسعه روابط دوجانبه، سرانجام سفارت کانادا در سال  
۱۳۶۹ (۱۸ اکتبر ۱۹۹۸م) در تهران فعالیت‌های عادی خود را از سر  
گرفت و مبادله سفیر بین دو کشور در سال ۱۳۷۴ صورت پذیرفت.  
نقطه عطف دوم به تیرگی روابط کانادا و ایران به سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳  
میلادی) در پی مرگ زهرا کاظمی، خبرنگار و عکاس ایرانی -  
کانادایی، باز می‌گردد. این رویداد موجبات تیرگی روابط دو کشور  
را فراهم آورد و پس از روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد  
و کنار گذاشته شدن سیاست تنش‌زدایی از دستور کار وزارت امور  
خارجی، تیره‌تر نیز شد. در آذرماه سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷) وزیر خارجه  
کانادا اعلام کرد دولت ایران از سفیر این کشور خواسته تهران را  
ترک کند. این دستور دیپلماتیک را تهران پس از آن صادر کرد که  
دولت کانادا هیچ یک از سفیران پیشنهادی ایران در اتاوا را نپذیرفته  
بود. از این رو، ایران در اقدامی متقابل از جان مندی سفیر کانادا  
خواست به کشور خود بازگردد. بدین ترتیب، مندی به عنوان سفیر  
جدید کانادا در حالی که هنوز استوارنامه خود را تقدیم محمود  
احمدی‌نژاد نکرده بود، مجبور به ترک تهران شد. نقطه عطف سوم  
در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲ میلادی) به وقوع پیوست. در این سال، روابط  
سرد و شکننده دیپلماتیک دو کشور که از سال ۱۳۸۶ به این سو در  
سطح کاردار باقی مانده بود، مجدداً قطع شد. در ۷ سپتامبر ۲۰۱۲  
برابر با ۱۷ شهریور ۱۳۹۱، وزارت امور خارجه کانادا با اعلام بستن  
سفارت خود در تهران و «عنصر نامطلوب توصیف کردن کارمندان  
سفارت ایران» در این کشور، اقدام به قطع روابط دیپلماتیک خود با  
ایران کرد. این وزارتخانه همچنین از همه کارمندان سفارت ایران در  
خاک کانادا درخواست کرد طی ۵ روز خاک این کشور را ترک  
کنند. به طور خلاصه، وزارت خارجه کانادا در بیانیه‌ای که صادر  
کرد، پنج دلیل را برای این اقدام خود برشمرد. این دلایل عبارتند از:  
۱. ایران تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است؛  
۲. ایران در حال کمک‌رسانی به دولت بشار اسد است؛  
۳. ایران از اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل در برنامه



اخیر بر سطح تبادل هیئت‌ها و حجم مبادلات تجاری دو کشور تأثیر منفی گذاشته است. جدول زیر، حجم روابط تجاری دو کشور را بر اساس اطلاعات منتشر شده توسط مرکز آمار کانادا از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ نشان می‌دهد. (ارقام به دلار آمریکا محاسبه شده است):

سال	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۲	۲۰۱۵
صادرات کانادا به ایران	۲۷۲,۲۴۶	۲۵۴,۶۸۹	۶۳۸,۶۸۷	۳۷۳,۰۰۵	۱۱۵	۹۵	۴۰
صادرات ایران به کانادا	۳۹,۲۳۸	۴۱,۶۸۳	۳۷,۳۸۹	۲۱,۶۸۶	۳۷	۴۰	۵

بر این اساس، اوج صادرات کانادا به ایران مربوط به سال ۲۰۰۸ و بالاترین حجم صادرات ایران به کانادا مربوط به سال ۲۰۰۷ است. صادرات کانادا به ایران در سال ۲۰۰۹ کاهش و روابط تجاری دو کشور با نوسانات بیشتری مواجه شد. در سال ۲۰۱۰ صادرات ایران به کانادا با ۶۹ درصد افزایش به حدود ۳۷ میلیون دلار رسید و صادرات این کشور به ایران به ۱۱۵ میلیون دلار کاهش یافت؛ اما در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا کنون به سبب تحریم‌های بین‌المللی ناشی از پرونده هسته‌ای و تحریم‌های یکجانبه کانادا علیه ایران، به تدریج از حجم روابط تجاری دو طرف کاسته شد و پس از قطع روابط سیاسی عملاً به سطح تجارت چمدانی تنزل پیدا کرده است.

**۲. عدم استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی:** بر طبق ارزیابی‌های مختلف اتباع ایرانی ساکن در کانادا رقمی بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر و بزرگترین جمعیت ایرانیان خارج از کشور بعد از آمریکا و انگلیس را تشکیل می‌دهند. ایرانیان مقیم کانادا بهترین بازار هدف محصولات ایرانی در کانادا هستند. نسل دوم این مهاجران ایرانی در مناصب و مجالس ملی و محلی کانادا صاحب نفوذ هستند و در نتیجه می‌توان با توجه به حضور جامعه فرهیخته ایرانی مقیم کانادا، نه تنها بسیاری از موانع تجاری سر راه صادرات را حل و فصل کرد، بلکه از آنها برای بهبود روابط سیاسی نیز بهره برد. ایرانیان مقیم کانادا می‌توانند پیشگامان رابطه اقتصادی ایران و کانادا باشند. چینی‌ها از این تجربه به خوبی در ایالات متحده آمریکا بهره بردارند؛ آنها یک کلونی بزرگ در ایالات متحده آمریکا دارند و ویژه آنکه ورود

همچون بریتانیا، فرانسه و آلمان وزن و جایگاه مناسبی از لحاظ سیاسی به این کشور بخشیده است، اگرچه عموماً این کشور به عنوان یک قدرت اقتصادی دیده می‌شود. با این مقدمه، در ادامه به بررسی آثار و پیامدهای قطع روابط کانادا با ایران می‌پردازیم. به طور کلی می‌توان این آثار به صورت زیر مورد شناسایی قرار داد:

### ۱. عدم بهره‌برداری از پتانسیل‌های

**اقتصادی:** کانادا کشور صنعتی و برخوردار از فناوری روز دنیاست و در حوزه صنایع و تجهیزات موتوری، صنایع ساختمانی و همچنین صنایع پالایشگاهی از توانمندی بالایی برخوردار است و با توجه به نیاز ایران در دوران پساتحریم به فناوری روز جهان، کانادا می‌تواند بخشی از این نیاز را برطرف نماید. هم‌جواری این کشور با ایالات متحده این امکان را فراهم می‌کند که در صورت داشتن روابطی مطلوب بتوان فناوری‌های آمریکایی را از این کشور دریافت کرد. در مقابل، پسته و خشکبار و فرش از مزیت‌های صادراتی ایران به کانادا محسوب می‌شوند. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که حجم تجارت فی‌مابین در میان‌مدت از این ظرفیت برخوردار است که به سطح ۱ میلیارد دلار در سال برسد. با وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های فراوان همکاری متقابل، عوامل مختلفی از قبیل شرایط و ملاحظات سیاسی و بین‌المللی، موقعیت و فاصله جغرافیایی، عدم شناخت صحیح طرفین از ظرفیت‌های اقتصادی یکدیگر، فقدان موافقت‌نامه مهم تجاری (اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و همکاری‌های گمرکی و غیره) و وجود قوانین تبعیض‌آمیز در مبادلات بازرگانی دخیل بوده و این مسئله به ویژه در سال‌های

به بازار آمریکا از یک طرف و ورود آمریکایی‌ها به بازار چین از طرف دیگر، توسط جامعه چینی مقیم آمریکا، تسهیل شد. از این رو از مهاجران ایرانی مقیم کانادا می‌توان برای تشکیل انجمن‌های دوستی در جهت تقویت دیپلماسی عمومی ایران در قبال کانادا برای رفع ایران‌هراسی سود جست. با توجه به اینکه هدف تشکیل انجمن‌های دوستی بین کشورهای مختلف، بهره‌مندی از آثار حیاتی تحکیم و گسترش روابط دوستی و برادری بین مردم دو کشور با جلب منافع و پیشبرد اهداف مشترک علمی، ادبی، تاریخی، هنری، صنعتی، تجاری، ارتباطات اجتماعی و بازرگانی است، قطع روابط کانادا با ایران مانع بزرگی برای بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها است.

### ۳. نبود رابطه تجاری تأثیرگذار در تعدیل سیاست تشدید

**فشار بر ایران:** روابط سطح بالای اقتصادی میان کشورها در بسیاری از مواقع به عنوان ضربه‌گیر تنش‌های سیاسی فی‌مابین عمل می‌نماید. به عنوان مثال، آمریکا و اتحادیه اروپا به سبب حجم تجارت بالایی که با چین دارند از مسائل حقوق بشری چین در بسیاری از موارد چشم‌پوشی می‌کنند. شاید اگر روابط اقتصادی ایران با کانادا در سطح مطلوبی بود، دولت هارپر به راحتی نمی‌توانست به صورت یکجانبه روابط خود را با ایران به حالت تعلیق درآورد. به همین دلیل بود که این کشور در جریان پرونده هسته‌ای ایران با فراغ بال شدیدترین تحریم‌ها را حتی فراتر و شدیدتر از آمریکا و اروپا علیه ایران اعمال کرد. در همین راستا، در ۲۶ جولای ۲۰۱۰، هارپر اعلام کرد، دولت کانادا می‌خواهد در ادامه و برای پشتیبانی از تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران، تحریم‌های جدیدی با نام «قانون اقدامات اقتصادی ویژه» وضع کند. همان زمان، دولت کانادا اعلام کرد این تحریم‌ها به این دلیل وضع می‌شود که ایران تعهدات بین‌المللی خود را در قبال مصوبات پی‌درپی شورای امنیت، مبنی بر توقف غنی‌سازی اورانیوم و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی شکسته است. در نتیجه اعلام شد که دولت کانادا در یک راینی و همراهی با دولت‌های ایالات متحده و دولت‌های اتحادیه اروپا و بنا بر قطعنامه ۱۹۲۹ سازمان ملل، وضع تحریم‌های جدید علیه ایران را در قالب «قانون اقدامات اقتصادی ویژه» در دستور کار قرار خواهد داد.

همچنین در یازدهم نوامبر ۲۰۱۱، دو روز پس از انتشار گزارش آژانس بین‌المللی انرژی درباره ارزیابی از وضعیت غنی‌سازی اورانیوم در تأسیسات هسته‌ای ایران، دولت کانادا باز هم اقدام به

گسترش تحریم‌ها کرد؛ این بار ممنوعیت مراودات مالی با ایران و مراودات تجاری کالاها را تا جایی که همه نوع کالاهایی را که در صنایع پتروشیمی، نفت و گاز ایران به کار برده شود، به لیست تحریم‌ها افزود و همزمان نام نهادها و اشخاص حقیقی جدید را نیز به لیست سیاه خود اضافه کرد. به طور کلی، بخشی از این ممنوعیت‌ها، شامل ممنوعیت گسترده مراودات مالی، ممنوعیت گسترده برای انجام معاملات مربوط به کالاهای کاربردی در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی (نه تنها با اشخاص معین بلکه با هر فرد و نهاد ایرانی)، ممنوعیت ایجاد مؤسسات مالی توسط ایرانیان در کانادا و هر کانادایی در ایران و حتی ایجاد شعباتی از مؤسسات موجود، ممنوعیت سرمایه‌گذاری در هر نهادی که مستقیم و غیرمستقیم با صنعت نفت و گاز ایران در ارتباط است و ممنوعیت ارائه کالاها یا خدمات‌رسانی در خصوص و مرتبط با صنعت کشتی‌رانی ایران که تحت اختیار کلی یا جزئی شرکت کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند. همچنین در اواخر ژوئن ۲۰۱۲، بانک تی دی کانادا، به دنبال اعمال تحریم‌های اقتصادی دولت فدرال کانادا علیه جمهوری اسلامی ایران، اقدام به بستن حساب‌های بانکی تعداد قابل توجهی از ایرانیان مقیم کانادا کرد. علاوه بر این، در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۲، دولت کانادا با اصلاح «قوانین اقدامات خاص اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی ایران، در راستای اعمال فشار بیشتر بر ایران، ۹۸ نهاد ایرانی از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج را به بهانه حمایت از برنامه هسته‌ای

کشورهای حامی تروریسم این کشور، در حالی است که بر اساس قوانین این کشور، همه دولت‌ها در کانادا دارای مصونیت می‌باشند. دولت کانادا در ادامه تحرکات ضد ایرانی خود در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲، گروهک منافقین را از لیست رسمی سازمان‌های تروریستی خارج کرد. دولت هارپر در راستای تقابل وسیع‌تر با جمهوری اسلامی ایران، همواره در پی حمایت از جریان‌ها و گروه‌های ضد ایرانی و تقویت آن‌ها بوده است. پناه دادن به خاوری متهم اصلی پرونده ۳ هزار میلیاردی و عدم همکاری با ایران برای دستگیری وی و اقدام دولت کانادا در خارج کردن گروهک منافقین از لیست رسمی سازمان‌های تروریستی کانادا نیز در همین راستا معنا پیدا می‌کند. یکی از پیامدهای مهم این تصمیم این است که از این پس، اقدامات دفتر گروهک منافقین در کانادا قانونی بوده و حمایت از این گروهک اعم از حمایت مالی، در زمره جرائم قضایی محسوب نخواهد شد. کانادا، همچنین، در ادامه تحرکات ضد ایرانی، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را جایگزین گروهک منافقین در لیست رسمی سازمان‌های تروریستی کانادا کرد.

**۵. پیگیری قطعنامه‌های حقوق بشری علیه ایران:** همان‌طور که پیش از این نیز عنوان شد، یکی از اصول سیاست خارجی کانادا توجه به مسئله حقوق بشر است. این کشور در طول دوره تیرگی روابط خود با ایران تلاش بسیاری نموده تا از این ابزار علیه جمهوری اسلامی ایران بهره لازم را ببرد. در همین راستا، در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ پیش‌نویس قطعنامه‌هایی با محوریت کانادا، در ادامه تحرکات ضد ایرانی این کشور، در اقداماتی کاملاً سیاسی و با استفاده ابزاری از حقوق بشر، علیه جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد به تصویب رسید. در جمع‌بندی این بخش باید گفت، با توجه به ظرفیت‌های نهفته در روابط با کانادا، واقعیت این است که تداوم این قطع رابطه، جمهوری اسلامی ایران را از فرصت‌های آن بی‌نصیب می‌سازد و در مقابل این امکان را در اختیار کانادا قرار می‌دهد که از طرق مختلف بر ایران فشار آورد. در بهبود روابط با کانادا، نه تنها این کشور می‌تواند به عنوان معبر و جایگزینی برای دسترسی به فناوری‌های روز آمریکایی و اروپایی به حساب آید، بلکه می‌توان از خصومت‌ها و اعمال فشارهای حقوق بشری و سیاسی آن نیز کاست.

### نتیجه‌گیری

ما با دوره‌ای جدید در روابط ایران و کانادا مواجه هستیم که در

کشور، به لیست نهادها و اشخاص تحریمی افزود. به طور کلی، کانادا برای اعتراض به برنامه هسته‌ای، حقوق بشر و همچنین آنچه دخالت‌های منطقه‌ای ایران می‌خواند، علاوه بر اعمال تمامی تحریم‌های سازمان ملل، تحریم‌های جداگانه‌ای را علیه ایران اعمال کرده است. این رویکردها نشان می‌دهد کانادا خود را از متحدانش متمایز کرده و محافظه‌کاران، سیاست سخت‌گیرانه‌ای را در برابر ایران برگزیدند، به طوری که حتی پس از توافق جامع ایران با ۵+۱ نیز دست از تشدید فشار بر ایران برنداشتند.

### ۴. افزایش خصومت و دشمنی با

**ایران:** تنش میان ایران و کانادا در سال‌های گذشته صرفاً در قطع روابط محدود نمانده، بلکه این کشور از هر فرصتی برای ضربه‌زدن و فشار بر ایران بهره برده است. به عنوان مثال، کانادا در همان روز نخست قطع روابط، بر مبنای مصوبه عدالت برای قربانیان قانون اساسی این کشور، رسماً جمهوری اسلامی ایران را در لیست کشورهای حامی تروریسم قرار داد. کانادا با قراردادن جمهوری اسلامی ایران در فهرست کشورهای حامی تروریسم، عملاً مصونیت ایران را لغو و امکان قانونی و حقوقی شکایت شهروندان کانادا از جمهوری اسلامی ایران در دادگاه‌های این کشور را فراهم کرد. توقیف اموال جمهوری اسلامی ایران در کانادا به واسطه شکایت یک شهروند آمریکایی (از جمهوری اسلامی ایران) به دادگاه کانادا یکی از سناریوهایی بود که پس از قراردادن جمهوری اسلامی ایران در فهرست کشورهای حامی تروریسم از سوی این کشور طراحی شد. قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در فهرست

قافله عقب نماند. این گزینه به تحولات آتی میان روابط ایران با آمریکا و اروپا و سمت و سوی آن بستگی زیادی دارد.

هر کدام از سه گزینه بالا که در دستور کار مقامات سیاست خارجی کانادا قرار گیرد، پیشبرد آن بی‌تردید با ملحوظ داشتن مؤلفه‌های اثرگذار بر سیاست خارجی این کشور که در بخش نخست این نوشتار به آن پرداختیم، گره خواهد خورد. از این رو، نباید انتظار داشت که با بهبود روابط، کانادا اعمال فشارهای حقوق بشری علیه ایران را به عنوان یک ابزار کنار بگذارد و نقش متغیر آمریکا، اسرائیل و حتی اروپا در تنظیم روابط خود با ایران را نادیده بگیرد. در پایان به عنوان یک راهبرد می‌توان گفت، با توجه به اینکه شرکت‌های آمریکایی دسترسی مستقیم به ایران را نخواهند داشت و در نتیجه ایران برای گسترش و رقابتی کردن روابط تجاری خود، باید به دنبال کشورهای باشد که از فناوری و توان رقابت با شرکت‌های اروپایی برخوردار باشند، کانادا می‌تواند به عنوان بهترین جایگزین پیش‌روی ایران قرار گیرد (در چارچوب گزینه دوم).

صورت تدوین راهبرد صحیح از سوی دستگاه دیپلماسی کشور، می‌تواند موجبات تأمین منافع ملی ما را فراهم سازد. از یک سو، با دستیابی به توافق جامع هسته‌ای و از میان برداشتن تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، فضای جدیدی پیش روی سیاست خارجی ایران قرار گرفته که برای بهره‌برداری هر چه بهتر از فرصت‌های آن، تداوم تیرگی روابط با کشورهای جهان از جمله کانادا بی‌معنی خواهد بود و از سوی دیگر، در کانادا دولتی بر سر کار آمده که تمایل خود را در چندین نوبت برای از سرگیری مجدد روابط با ایران اعلام کرده است. دولت جدید به رهبری جاستین ترودو تمایل دارد همانند اروپایی‌ها سهمی از بازار ایران را در اختیار گیرد و در رقابت با آنها منافعی کسب نماید. شرکت‌های کانادایی به دنبال سرمایه‌گذاری و استفاده از فرصت به وجود آمده پس از برجام هستند و چشم به حضور در بازارهای نوظهور ایران دارند. در این شرایط، پیش‌بینی می‌شود اوتواوا یکی از سه گزینه زیر را در پیش گیرد:

۱. دولت کانادا به سیاست خصمانه خود ادامه دهد. در این صورت دستاورد زیادی نصیب کانادا نخواهد شد و این کشور بی‌تردید در ایرانی که بعد از توافق خواهیم دید، جایگاهی نخواهد داشت. هرچند بازگشت به وضعیت دیپلماتیک گذشته و رشد اقتصادی در ایران آرام و تدریجی خواهد بود، اما در طولانی‌مدت، منافع جذابی به ارمغان خواهد آورد. البته، اتخاذ این رویکرد با توجه سیاست‌های دولت جدید ترودو ضعیف‌ترین احتمال است.

۲. کانادا از متحدان آمریکایی و اروپایی خود پیروی کند. انتخاب این مسیر، باعث دوستی و آشتی بزرگی نخواهد شد، اما تنش‌زدایی در روابط دو طرف را به ارمغان می‌آورد. در این رویکرد، کانادا آرام و با دقت مواضع خود را تعدیل می‌کند و برای قدم‌های بعدی و همکاری در آینده آماده می‌شود و در واقع ارتقای روابط را به صورت مرحله‌ای و پلکانی در پیش می‌گیرد. به عنوان مثال، گام اول می‌تواند از سرگیری روابط دیپلماتیک و بازگشایی سفارتخانه‌ها باشد. تجارب گذشته و شرایط موجود حاکی از این است که این گزینه محتمل‌ترین انتخاب پیش روی کانادا و ایران است.

۳. کانادا دوراندیش باشد و تشخیص دهد که ایران پتانسیل آن را دارد که بیش از پیش به عنوان قدرت مهمی در منطقه مستقر شود. این ظرفیت تا به انجام رسیدن فاصله دارد، اما کانادا می‌تواند تصمیم بگیرد تا در جریان استقرار مجدد ایران در بازارهای جهانی و ساختار امنیت منطقه‌ای، جایگاه یک شریک فعال را داشته باشد و از